

بررسی سندی و دلالتی روایت «إن الله خلق آدم علی صورته»- مجید شاکر سلماسی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دوازدهم، شماره ۴۵ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۳، ص ۵۲ - ۵۸



بررسی سندی و دلالتی روایت «إن الله خلق آدم علی صورته»

مجید شاکر سلماسی *

چکیده: این مقاله پژوهشی پیرامون سند و دلالت حدیث «إن الله خلق آدم علی صورته» می‌باشد. در این مقاله ابتدا سند و مفهوم حدیث بررسی می‌شود، سپس براساس مبانی توحیدی اسلام، به رفع ابهام حدیث که ناشی از مرجع ضمیر «صورته» است، پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: روایت «إن الله خلق آدم علی صورته»، بررسی سندی، بررسی دلالتی، تنزیه، تشبیه.

اساس اسلام ° مانند تمام ادیان الهی - بر پایه توحید استوار است و اندیشمندان مسلمان همواره برای حفظ این اساس بنیادین، از هیچ تلاشی دریغ نکرده‌اند. برخی روایات که از طریق رسول خدا و امامان شیعه علیهم‌السلام وارد شده است، متشابه‌اند و در نگاه ظاهری رنگ و بوی تشبیه و تجسیم خداوند را در دل دارد، برخی از این روایات براساس سند، ضعیف هستند. ولی برخی دیگر وثاقت صدور دارد و دلالت آن، نیازمند دقت نظر در معنی و مفهوم حدیث است، چرا که ظاهر این روایات متشابه است و احیاناً با آموزه‌های توحیدی و غیرتوحیدی - که اساس اسلام بر آن استوار است ° تعارض دارد. یکی از این موارد، روایت «إن الله خلق آدم علی صورته» می‌باشد که در منابع شیعه و سنی وارد شده است و ظاهر آن شبهه تجسیم و تشبیه دارد. ابتدا باید وثاقت صدور این روایت مورد بررسی قرار گیرد که آیا اساساً چنین روایتی از سوی معصوم صادر شده است یا خیر؟ و بر فرض وثاقت صدور آن، باید در مرحله بعد دلالت آن بررسی شود که این روایت به چه معنا می‌تواند باشد و مرجع ضمیر در «صورته» که منشا تشابه روایت است، چیست؟ با بررسی سند و دلالت این روایت، جمع‌بندی کلی و نتیجه ارائه خواهد شد.

۱- حدیث «ان الله خلق آدم علی صورته» در منابع شیعه؛

روایت «ان الله خلق آدم علی صورته» در منابع شیعی ذیل، ذکر شده است؛

۱-۱- کلینی این حدیث را چنین روایت کرده است: «عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد عن أبیه عن عبدالله بن بحر عن أبي ایوب الخزاز عن محمد بن مسلم قال: سألت اباجعفر علیه‌السلام عما یروون أن الله خلق آدم علی صورته. فقال: هی صورة محدثة مخلوقة و اصطفاها الله و اختارها علی سائر الصور المختلفة، فأضافها إلی نفسه، كما أضاف الکعبة إلی نفسه و الروح إلی نفسه، فقال: بیتی، و نفخت فیہ من روحی» (کلینی، ۱۳۶۵، ۱، ۱۳۴)

۱-۲- شیخ صدوق در کتاب التوحید چنین روایت می‌کند: «حدثنا أحمد بن الحسن القطان قال حدثنا أبو سعيد الحسن بن علي بن الحسين السكري قال حدثنا الحكم بن أسلم قال حدثنا ابن عليّة عن الجريري عن أبي الورد بن ثمامة عن علي بن أبي طالب قال: سمع النبي ﷺ رجلا يقول لرجل: قبح الله وجهك ووجه من يشبهك فقال ﷺ: مه! لا تقل هذا، فإن الله خلق آدم على صورته» (صدوق، ۱۳۹۸، ۱۵۲)

۱-۳- هم چنین شیخ صدوق در التوحید و عیون اخبار الرضا علیه السلام این روایت را با اندکی اختلاف چنین نقل کرده است: «حدثنا أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني رحمه الله قال حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه عن علي بن معبد عن الحسين بن خالد قال: قلت للرضا علیه السلام يا ابن رسول الله! إن الناس يروون أن رسول الله ﷺ قال: إن الله عزوجل خلق آدم على صورته، قال ﷺ: قاتلهم الله، لقد حذفوا أول الحديث. إن رسول الله مرّ برجلين يتسابان، فسمع أحدهما يقول لصاحبه: قبح الله وجهك ووجه من يشبهك فقال ﷺ له: يا عبد الله لا تقل هذا لأخيك، فإن الله عزوجل خلق آدم على صورته» (صدوق، ۱۳۷۸، ۱، ۱۲۰، صدوق، پیشین، ۱۵۲)

۲- بررسی سند حدیث «انّ الله خلق آدم على صورته»؛

۱-۲. روایت اول

مراد از عنوان «عن أبيه» در سند حدیث اول، محمد بن خالد برقی است که نجاشی وی را ضعیف شمرده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ۳۳۵). عبدالله بن بحر نیز متهم به غلو می‌باشد (خویی، ۱۴۰۳، ۱۰، ۱۱۹) بنابراین سند روایت اول ضعیف می‌باشد.

۲-۲. روایت دوم

در کتب رجالی، از «حکم بن اسلم» و «حسن بن علی بن الحسین السکری» که در سند روایت است، ذکری به میان نیامده است و بر اساس ملاک متأخران، سند این حدیث، مجهول و در نتیجه ضعیف خواهد بود. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲، ۲۳۲ و ۴۵۴). بعلاوه دانشمندان علم رجال تصریح کرده‌اند که مقصود از ابن عیینه در این سند، سفیان بن

عینه است و او را در شمار محدثان عامه محسوب کرده و روایاتش را غیرقابل اعتماد دانسته‌اند. (همان، ۵۰۰)

۲-۳. روایت سوم:

بررسی‌های رجالی، نشانگر صحت سند حدیث سوم است. بنابراین، احادیث دیگری که با سند ضعیف در منابع شیعه آمده است، می‌تواند مؤیدی برای حدیث سوم باشد که دارای سند صحیح است.

بنابر آنچه گذشت، وثاقت صدوری حدیث ثابت است، مضافاً بر اینکه این روایت در منابع روایی اهل سنت نیز گزارش شده است (نیشابوری، ۱۳۳۴، ۸، ۳۲؛ بخاری، ۱۴۰۱، ۷، ۱۲۵؛ احمدین حنبل، ۱۳۱۳، ۲، ۲۴۴؛ عمروبن ابی عاصم، ۱۴۱۳، ۲۲۸)

۳- بررسی دیدگاه‌ها در مورد متن حدیث «انّ الله خلق آدم علی صورته»؛

۱-۳. شیخ صدوق معتقد است این روایت از طرف مشبهه برای گمراهی مردم، تقطیع شده است. (صدوق، پیشین، ۱۵۲)

۲-۳. سید مرتضی، بعد از گزارش این روایت، پنج وجه در تبیین ضمیر «صورته» به شرح ذیل ذکر می‌کند:

(۱) مرجع ضمیر در «صورته» آدم علیه السلام بوده و مقصود از آن، خلق دفعی آدم است. به این معنی که پیدایش آدم، دفعی است، بدون سپری کردن مراحل که انسان از بدو انعقاد نطفه طی می‌کند، در این حدیث آفرینش آدم به صورت دفعی و کامل مورد اشاره قرار گرفته است.

(۲) خلق انسان بر صورت خداوند، از باب تشریف است؛ یعنی همانطور که خدای متعال کعبه را از جهت تشریف، بیت خود خوانده، از همین جهت صورت انسان را نیز به جهت شرافت آن به خود نسبت داده است. چنانکه مضمون پاره ای از روایات نیز به این وجه دلالت دارد.

(۳) ضمیر به همان فرد تقبیح شده برمی‌گردد که در روایت ذکر شده است.

(۴) مراد از این حدیث، آن است که آفرینش صورت آدم، فعل خداوند است.
 (۵) مقصود این است که خداوند، آدم را به همان صورت ابداعی آفرید و از صورت و حال دیگری نیافرید (شریف مرتضی، بی تا، ۱۲۸)

۳-۳. ابن جوزی به جز وجه چهارم، سایر وجوهی را که سیدمرتضی ذکر کرده، آورده است (ابن جوزی، ۱۴۱۳، ۱۴۴)

۳-۴. سید ابن طاووس همانند صدوق قائل است که در این روایت، تقطیع و تحریف روی داده و روایت مزبور در اصل چنین است: «خلق الله آدم علی صورته الّتی صورها فی اللوح المحفوظ» یعنی «خداوند آدم را بر همان صورتی که در لوح محفوظ تصویر کرده بود، آفرید» (ابن طاوس، ۱۳۶۹، ۳۴). وی درباره این حدیث می‌نویسد: برخی از مسلمانان، بخشی از این حدیث را حذف کردند و آن را به این شکل درآوردند که «انسان را بر صورت خودش خلق کرده است» از این رو مسلمانان نیازمند تأویل حدیث شدند (همان، ۳۴) در نظر ابن طاوس، حدیث مورد نظر، گویای این حقیقت است که آفرینش انسان، مطابق همان صورتی است که خداوند در لوح محفوظ مشیت کرده است. (همان)

۳-۵. نووی با متشابه دانستن این روایت و لزوم حمل آن برخلاف ظاهر، سه وجه برای این حدیث بیان کرده است؛

(۱) رجوع ضمیر به فرد تقبیح شده

(۲) رجوع ضمیر به آدم

(۳) رجوع ضمیر به خداوند، از باب تشریف؛ مانند ناقة الله و بیت الله (نووی، ۱۴۰۷، ۱۶)

۳-۶. ابن حجر با ذکر وجوه مختلف در معنای این روایت، «برگشت ضمیر به فرد تقبیح شده» را ترجیح داده است. (ابن حجر، بی تا، ۵، ۱۳۳)

۳-۷. توجه به این توضیحات، می‌توان ادعا کرد که اندیشمندان مسلمان در مواجهه با این روایت می‌کوشند درک صحیحی از حدیث ارائه کنند که با اصل توحید و عدم

تشبیه سازگار باشد. چنانکه توضیح و شرح ایشان دربارهٔ این حدیث، به گونه‌ای است که رجوع ضمیر به خدا نباشد؛ بلکه با در نظر گرفتن جهت صدور حدیث، مرجع ضمیر را «فرد تقبیح شده» دانسته‌اند، یا اینکه آن را مربوط به «صورتی منتخب و برگزیده» بیان داشته‌اند که مخلوق خداست و خدا از جهت تشریف، آن را به خود نسبت داده است، یا آنکه خداوند، انسان را مطابق صورت و ماهیت خود انسان آفریده است؛ این سه وجه که مورد تأیید روایات دیگر نیز هست، می‌رساند که نباید تشبیه و تجسیم در مورد خدا مطرح شود و هیچ گونه تشبیهی بین خدا و خلق وجود ندارد.

۴- جمع بندی

در روایت کلینی از امام باقر علیه السلام، اضافهٔ صورت به خداوند، اضافهٔ تشریفی است؛ یعنی به جهت شرافت صورت انسانی، خدا آن را به خویش نسبت داده است؛ حال آنکه سایر روایات شیعه، ناظر بر تقطیع و تحریف حدیث و رجوع ضمیر به «فرد تقبیح شده» است.

مرحوم مجلسی، سند حدیث کلینی را ضعیف شمرده و در زمینه روایات دیگر می‌نویسد: شاید امام باقر علیه السلام، این جواب را با فرض عدم تقطیع حدیث داده باشند یا اینکه به جهت تقیه، نخواستند متعرض نفی حدیث شوند (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲، ۸۴). این دیدگاه علامه مجلسی زمانی قابل قبول است که فضای حاکم بر جامعه شیعه در دورهٔ امام باقر علیه السلام را فضای اختناق و تقیه بدانیم که امام در چنین فضایی ناگزیر شده حدیث را به گونه‌ای بیان کند که با تعالیم توحیدی اسلام، سازگار باشد و مخالف روایات مخالفین نیز نباشد.

آیت‌الله جوادی آملی در جمع این احادیث بیان می‌دارد که ضمیر در «صورت» به همان صورت مخلوق و منتخبی برمی‌گردد که خداوند، به جهت تشریف، به خود نسبت داده است؛ به عبارت دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، از آن رو از ناسزا گفتن به صورت

انسان‌ها نهی کرده‌اند که صورت انسان، به سبب گزینش الهی، محترم و شریف است (جوادی آملی، ۱۳۸۷)

این دیدگاه، از آن جهت که اعتراض امام رضا علیه السلام مبنی بر حذف صدر حدیث، وجهی ندارد قابل قبول نیست؛ بدین بیان که حضرتش می‌فرماید تقطیع در روایت، باعث شده است که مرجع ضمیر مشخص نباشد و عدم تشخیص مرجع ضمیر، موجب فهم نادرست از روایت شده است؛ در حالی که در صورت رجوع ضمیر به خدا، نیازی به تذکر امام علیه السلام نخواهد بود.

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به فضای حاکم بر دوره امام باقر علیه السلام و روش ایشان در رعایت تقیه، سخن علامه مجلسی به واقع نزدیکتر است؛ البته در هر وجه، رجوع ضمیر به خداوند نخواهد بود؛ بلکه مرجع ضمیر، «صورت برگزیده» و یا به «فرد تقبیح شده» خواهد بود.

منابع

- ابن جوزی، عبدالرحمن، دفع شبه التشبیه، دار الامام النووی اردن، ۱۴۱۳.
 ابن حجر عسقلانی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، دار المعرفه بیروت، بی تا.
 ابن طاوس، علی بن موسی، سعد السعود، انتشارات دار الذخائر قم، ۱۳۶۹.
 احمد بن حنبل، مسند احمد، میمنه مصر، ۱۳۱۳.
 بخاری، ابو عبدالله، صحیح بخاری، دارالفکر بیروت، ۱۴۰۱.
 جوادی آملی، عبدالله، درس تفسیر، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۷، (www.esraa.ir)
 خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، مدینه العلم ۱۴۰۳.
 شریف مرتضی، علی بن حسین، تنزیه الانبیاء والائمة، انتشارات شریف رضی قم، بی تا.
 صدوق، محمد بن علی، التوحید، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸.
 _____، عیون اخبار الرضا، نشر جهان تهران، ۱۳۷۸.
 عمرو بن عاصم، کتاب السنه، مکتبه الاسلامیه بیروت، ۱۴۱۳.
 کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه تهران، ۱۳۶۵.
 مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، مؤسسة الوفاء بیروت، ۱۴۰۴.
 نجاشی، احمد بن علی، رجال، مؤسسة النشر الاسلامی قم، ۱۴۱۶.
 نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، نشر شفق تهران، ۱۴۱۲.
 نووی، یحیی بن شرف، شرح صحیح مسلم، دارالکتب العربی بیروت، ۱۴۰۷.
 نیشابوری، صحیح مسلم، انتشارات محمدبن صبیح و اولاده مصر، ۱۳۳۴.